

تحلیل:

تردید حرفه‌ای در عصر اندازه‌گیری ارزش منصفانه

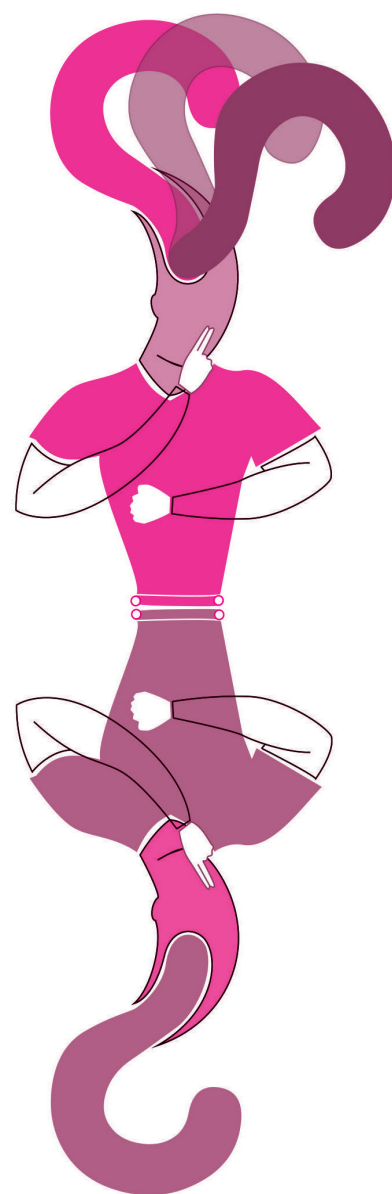
در پی نگرانیهای به وجود آمده از بابت کیفیت حسابرسی به دلیل افزایش نارضایتیهای ناشی از بازرسی مؤسسه‌ها و کارهای حسابرسی از سوی مقررات‌گذار و احتمال شکایت از مؤسسه‌های حسابرسی به دلیل خطاهای^۱ شرکتی، بررسی **تردید حرفه‌ای**^۲ از دیدگاهی جدید ضروری به نظر می‌رسد. براساس بند ۱۵ **استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۲۰۰ (ISA 200)** با موضوع «هدفهای کلی حسابرس مستقل و انجام حسابرسی مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابرسی»: «حسابرس باید حسابرسی را با تردید حرفه‌ای طراحی و اجرا کرده و توجه داشته باشد شرایطی وجود دارد که ممکن است باعث تحریف با اهمیت در صورتهای مالی شود.»

طبق بند ۱۳ همین استاندارد، «تردید حرفه‌ای» عبارتست از: «تگرشی هشیارانه و دربرگیرنده ذهنی پرسشگر، و ارزیابی منتقدانه شواهد حسابرسی نسبت به شرایطی که شاید حاکی از تحریف احتمالی به دلیل خطا یا تقلب باشد.»

این تعریف نشان می‌دهد که حسابرسان باید دستکم نسبت به سه چیز هشیار باشند:

- شواهد حسابرسی متناقض با دیگر شواهد به دست آمده حسابرسی،
- اطلاعاتی که قابلیت اطمینان اسناد و پاسخ به پرسشهای مورد استفاده به عنوان شواهد را، مورد پرسش قرار می‌دهند، و
- شرایطی که نشان دهنده **تقلب**^۳ احتمالی باشد.

این سه مورد، ریسک نادیده گرفتن شرایط غیر معمول، عمومیت بخشیدن بیش از حد به هنگام نتیجه‌گیری از روی مشاهدات حسابرسی و استفاده از فرضهای نامناسب در تعیین ماهیت، زمان بندی و دامنه استفاده از رویه‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج آن را کاهش می‌دهد.



ترجمه: امیرهادی معنوی مقدم

B. Monegi

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ (IFRS 13) با عنوان «اندازه‌گیری ارزش منصفانه»، یکی از تأثیرگذارترین استانداردهایی است که روی دیگر استانداردهایی که در آنها ارزش منصفانه باید اندازه‌گیری شود، مانند **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹** (IFRS 9) با عنوان «ابزار مالی»، **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۰** (IFRS 10) با عنوان «صورتهای مالی تلفیقی»، **استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳** (IAS 3) با عنوان «کاهش ارزش داراییها»، **استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۴۰** (IAS 40) با عنوان «داراییهای سرمایه‌ای» و **استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۴۱** (IAS 41) با عنوان «کشاورزی»، تأثیرگذار است. حسابرسی برآوردهای حسابداری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به‌ویژه با توجه به حسابرسی فرضها و قضاوتهای عمده، یک مثال مشخص در این زمینه به حساب می‌آید.

اندازه‌گیری دقیق موارد یادشده امکان‌پذیر نیست؛ چراکه امکان نبود قطعیت برآورد وجود دارد. طبق بند ۷ (سی) (7(c)) **استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۵۴۰** (ISA 540) با عنوان «حسابرسی برآوردهای حسابداری، شامل برآوردهای حسابداری ارزش منصفانه و موارد افشای مربوط»، «نبود قطعیت برآورد» عبارتست از اینکه: «تا چه اندازه امکان دارد یک برآورد حسابداری و موارد افشای مربوط دارای نبود دقت ذاتی در اندازه‌گیری باشد.»

در یکی از مقاله‌های مجله **بیزنس دی** (Business Day) به تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۶ آمده: «ارزش بازار بورس ژوهانسبورگ ۱۶ برابر بیشتر نسبت به ارزش آن در سال ۱۹۹۶ است، ولی تعداد سهام پذیرفته‌شده در بورس تا بیش از یک‌سوم کاهش داشته است.»

پی بردن به علت این افزایش ارزش، کار دشواری نیست؛ چرا که بررسی ترازنامه شرکتهای برتر پذیرفته‌شده در بورس تأثیر حسابداری ارزش منصفانه بر این افزایش ارزش را نشان می‌دهد. به همین ترتیب، براساس گزارش **انجمن سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر آفریقای جنوبی**^۷، نرخ بازده داخلی برای صندوقهای خصوصی سرمایه‌گذاری از ۱ ژانویه ۲۰۰۵ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ به‌طور متوسط ۱۸/۵ درصد

شاید معنای تردید حرفه‌ای، حفظ کارشناسان فنی در واحدهای فنی یا کنترل کیفیت مؤسسه‌های حسابرسی باشد و نه چیزی که شریک مسئول کار در عصری که خدمات حسابرسی کالایی عمومی شده، باید نگرانش باشد. با فشار صاحبکاران روی مؤسسه‌ها برای پرداخت حق‌الزحمه‌های پایین‌تر، برخلاف «قضاوت حرفه‌ای» که هر وقت در فکر کردن کم می‌آوریم به راحتی درباره‌اش بحث می‌کنیم، به‌طور قطع زمانی برای تردید حرفه‌ای وجود ندارد؛ چراکه بیشتر یک کار تجملی به‌نظر می‌رسد! این جسارت را به خرج می‌دهم و می‌گویم در آینده حسابرسی، تردید حرفه‌ای به‌همراه **اندازه‌گیری ارزش منصفانه**^۸ است که به موضوعی محوری تبدیل خواهد شد.

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی^۵ در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵، دعوتنامه‌ای را برای نظرخواهی با عنوان «تقویت کیفیت حسابرسی به نفع عموم: تمرکز بر تردید حرفه‌ای، کنترل کیفیت و حسابرسیهای گروه (ITC)» منتشر کرد که آخرین مهلت دریافت نظرها ۶ مه ۲۰۱۶ بود. نتیجه این فرایند به‌ویژه در ارتباط با موضوع مورد بحث در این مقاله، درخور توجه خواهد بود.

مسئله درخور توجه دیگر این واقعیت است که طبق بند ۹ **استاندارد بین‌المللی آموزش شماره ۸** (IES) با عنوان «صلاحیت حرفه‌ای برای شریک مسئول کار حسابرسی صورتهای مالی (بازنگری‌شده)»، تردید حرفه‌ای یکی از صلاحیتهایی است که شریک مسئول کار باید به‌هنگام اجرای نقش خود به‌عنوان مسئول حسابرسی صورتهای مالی سالانه داشته باشد و این صلاحیت را باید به‌وسیله توسعه مستمر مهارتهای حرفه‌ای‌اش به‌دست بیاورد. این استاندارد از ۱ ژوئیه ۲۰۱۶ اجرایی شد.

این موضوع، با یکی از اصول اساسی اخلاق حرفه‌ای حسابرسان مستقل در ارتباط است (این اصول همان صلاحیت حرفه‌ای و مراقبت حرفه‌ای هستند که **هیئت مستقل مقررات‌گذاری برای حسابرسان**^۶ در بخش ۱۳۰ آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای تعیین کرده است).

بنابراین در دوران حسابداری ارزش منصفانه و با توجه به اینکه بیشتر استانداردهای اخیر حسابداری منتشرشده بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه تمرکز داشته‌اند، تردید حرفه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) الزامی
شده است.

با وجود این، اگر به ابتدای متن بروید و به معنای تردید حرفه‌ای نگاه کنید، این پرسش برایتان پیش می‌آید: مگر زمانی که معلوم شد این ابزار بیش از حد ارزش‌گذاری شده‌اند، حسابرس نباید دیگر شواهد متناقض در دسترس عموم را بررسی می‌کرد (زمانی که مصرف‌کنندگان در حال از دست دادن شغل و خانه‌هایشان بودند و میزان بیکاری در امریکا در سال ۲۰۰۷ بالاترین میزان در آن دهه بود)؟ آیا نباید حسابرسان ذهن پرسشگر می‌داشتند و این شواهد را به‌دقت بررسی می‌کردند تا ببینند در کدام مورد تعدیل بهای اعلام‌شده نتیجه منطقی‌تری می‌دهد؟

ولی با این واقعیت چطور برخورد می‌کنید که بعضی معامله‌گران در دوران بحران مالی با استفاده از اطلاعات در دسترس عموم که با شواهد به‌دست‌آمده از سوی حسابرسان در تناقض بود، کلی پول به جیب زدند؟

به‌طور مشخص، باید به تضاد منافی که مؤسسه‌های اعتبارسنجی در این مرحله داشتند، اشاره کرد. مؤسسه‌هایی مانند **اس‌اند‌پی (S&P)**، **فیچ (Fitch)** و **مودی (Moody)** در زمانی که مشخص شد شواهد متناقضی وجود دارند که این ابزار بیش از حد ارزش‌گذاری شده‌اند، ارزش آنها را کاهش ندادند. نبود استقلال در این مؤسسه‌ها به‌دلیل این واقعیت بود که آنها از بانک‌هایی پول می‌گرفتند که به این اعتبارسنجی‌های بالا نیاز داشتند. این مؤسسه‌ها نیز در دادگاه به پرداخت جریمه محکوم شدند و اس‌اند‌پی با پرداخت جریمه ۷ میلیون دلاری موافقت کرد. اینها همان مؤسسه‌های اعتبارسنجی‌اند که چهار روز پیش از ورشکستگی انرون، درجه اعتباری آن برای سرمایه‌گذاری را تأیید کرده بودند.

مسئولیت حسابرس در این خصوص چه بود؟ آیا می‌توان گفت که حسابرس نتوانسته دلیل محکم و قانونی پیدا کند که نشان دهد صورتهای مالی عاری از تحریف‌های بااهمیت‌اند؛ یعنی حسابرس نتوانسته هدفهای حسابرسی را محقق کند؟ و از منظر آیین‌نامه اخلاقی، رفتار نامناسبی داشته است؟

بوده که از بازده بازار بورس ژوهانسبورگ در مدت مشابه (۱۴/۱ درصد)، بیشتر است. البته این بازده‌ها در اصل به‌دلیل استفاده از روشهای ارزش‌گذاری (رویکرد درآمد، جریان وجوه نقد تنزیل شده و غیره) است که امکان دارد دارای نبود قطعیت برآوردی باشد که در بالا گفته شد.

در اینجا، دو رویداد به ذهن می‌رسد که یکی مربوط به همین اواخر و دیگری به‌طور تقریبی مربوط به یک دهه پیش است. این دو رویداد که اهمیت تردید حرفه‌ای در حسابرسی صورتهای مالی سالانه را مشخص می‌کنند، عبارتند از:

- **فروپاشی بازارهای مالی در سال ۲۰۰۸ به‌دلیل تعهدهای بدهی وثیقه‌دار^۸** یا اوراق بهادار با پشتوانه رهنی؛ و
- **مقاله نیویورک‌تایمز در ۷ ژوئن ۲۰۱۶ که به خرید سهام کنترلی شرکت دل (Dell) مربوط می‌شود.** در این مقاله با عنوان «صدور حکم برای پرونده خرید سهام کنترلی در شرکت دل شاید سابقه‌ای نباشد که برخی بترسند» اشاره شده بود که: **”گلن هوپارد^۹ (Glenn Hubbard) کارشناس شرکت دل بود و ارزش منصفانه هر سهم را ۱۲/۶۸ دلار محاسبه کرده بود. برد کورنل^{۱۰} (Brad Cornell)، کارشناس سهام‌داران معترض بود و ارزش منصفانه هر سهم را ۲۸/۶۱ دلار محاسبه کرده بود.**“

فروپاشی بازارهای مالی در سال ۲۰۰۸

تعهدهای بدهی وثیقه‌دار یا اوراق بهادار با پشتوانه رهنی، ابزار پذیرفته‌شده در بورس با قیمت نرخ‌گذاری شده در یک بازار فعال بودند. براساس بند ۷۷ **استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ (IFRS 13)**، حسابرس باید از بهای اعلام‌شده در تابلو استفاده کند؛ چون بهای اعلام‌شده در تابلو قابل‌اعتمادترین شاهد ارزش منصفانه است و در هر جایی که این مقدار مشخص باشد، باید بدون تعدیل، برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده شود. طبق این استاندارد، این ورودی سطح ۱ است. استدلال این استاندارد آن است که وقتی شرکتی به‌واسطه این واقعیت که ابزار یادشده به‌طور منصفانه ارزش‌گذاری نشده‌اند از هم فرو می‌پاشد، حسابرسی که بر این بهاهای اعلام‌شده تکیه می‌کند، مقصر به حساب نمی‌آید؛ چون این روش در

خرید سهام کنترل دل

اختلاف ارزشگذاری در خصوص پرونده این شرکت که در بالا به آن اشاره شد، اختلاف زیادی است. آیا می‌توان این استدلال را مطرح کرد که ما حسابرسان در اصل در چه جایگاهی هستیم که بخواهیم نظر دو کارشناس محترم را زیر سؤال ببریم؟ یا تردید حرفه‌ای ما را ملزم می‌کند تا برای کاهش اختلاف این ارزشگذاریها، به دنبال دیگر اطلاعات، اعم از شواهد متناقض بگردیم؟

آیا باید ذهن پرسشگرمان را به کار بیندازیم و شواهد متناقض را با شواهد به دست آمده بررسی و به دقت ارزیابی کنیم؟ به طور مثال، به جای پذیرش پیش‌بینی غیرعادی رشد درآمد در الگوی تنزیل جریان وجوه نقد در یک صنعت رو به افول مانند صنعت فولاد، باید فرضهای مدیریت را زیر سؤال ببریم. شاید با این کار پی ببریم عامل نهفته پشت این اختلافها، نبود استقلال یا تضاد منافع (یعنی جهت‌گیری) است.

الن گری (Allan Gray) می‌گوید: «پیش‌بینیها بی‌فایده‌اند، ولی به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم شرکت با چه احتمالاتی روبه‌روست. به این نگاه می‌کنیم که اگر آینده به شکل خاصی رخ دهد، «ارزش منصفانه» سهام شرکت چقدر خواهد بود. ما به این مسئله آگاهیم که «ارزش منصفانه» طیف گسترده‌ای دارد و یک عدد واحد نیست. بهای سهام بیشتر مواقع در بازه مشخصی نوسان دارد.»

می‌توانم درباره بانکهایی حرف بزنم که به دلیل کاهش ندادن ارزش دفاتر وام، ورشکست می‌شوند؛ ولی اطلاعات متناقضی وجود دارد که نشان می‌دهد این وامها را نمی‌توان به صورت منصفانه ارزشگذاری کرد (یعنی تعداد مشتریانی که نمی‌توانند بدهی ماهانه‌شان را پرداخت کنند، افزایش یافته است).

اندازه‌گیری ارزش منصفانه تحت تأثیر جهت‌گیری مدیریت است و به طور معمول، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی درباره آینده وجود دارند. در جایی که گروه گسترده‌ای از احتمالات وجود داشته باشد، مطمئن باشید که مدیریت سراغ مطلوب‌ترین حالت می‌رود؛ به‌ویژه اگر پاداش مدیریت به آن وابسته باشد. افزون‌بر این، افزایش پیچیدگی استانداردهای حسابداری، محصولات مالی، قوانین مالیات و غیره، فرصتهایی را برای سوءاستفاده و سوءتفاهم ایجاد می‌کند. این مسئله در کنار فشار بودجه و زمان، حسابرسان را وسوسه

می‌کند تا بدون چالش کافی، حرفهای مدیریت را بپذیرند. این واقعیت که در نهایت، این ما حسابرسان هستیم که باید رابطه با صاحبکاران مان را حفظ کنیم و آنها کسانی هستند که به ما پول می‌دهند و باید از مخالفت با مدیریت درباره اصول حسابرسی/حسابداری که به از دست دادن کار حسابرسی منجر می‌شود، دوری کنیم، نمی‌تواند مانع تردید حرفه‌ای ما شود.

نتیجه‌گیری

در فروپاشی هر بازاری، این پرسش مطرح می‌شود که: حسابرسان کجا بودند؟ طرح این سؤال منصفانه است چرا که ما حسابرسان مسئول حفاظت از منافع عمومی در زمان صدور گزارشهای حسابرسی در نهادهایی هستیم که در آنها پای منافع عمومی در میان است. دوران حسابرسی به عنوان کاری تنها با هدف رعایت مقررات، سپری شده است. امروزه حسابرسان باید یک قدم به عقب بردارند و درباره شواهدی که به دست می‌آورند، فکر کنند. طولی نخواهد کشید که مقررات‌گذاران از ما بپرسند تا چه حد تردید حرفه‌ای دارید. به نظر من، الان زمانش رسیده که تردید حرفه‌ای مان را جدی بگیریم تا از بقیه جلوتر باشیم.



پانوشته‌ها:

- 1- Failures
- 2- Professional Skepticism
- 3- Fraud
- 4- Fair Value Measurement
- 5- International Auditing and Assurance Standard Board (IAASB)
- 6- Independent Regulator Board for Auditors (IRBA)
- 7- South African Venture Capital and Private Equity Association (SAVCA)
- 8- Collateralised Debt Obligation (CDO)
- ۹- رئیس دانشکده بازرگانی دانشگاه کلمبیا و رئیس سابق شورای مشاوران اقتصادی در زمان جورج بوش
- ۱۰- استاد دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس

منبع:

Monegi B., **Analysis: Professional Skepticism: In the Age of Fair Value Measurement**, <http://www.accountancy.org.za>, 2016